

مانع عمر سلام

۹ ماهات را در از این نظر آواز اندم رساندم که حضرت که گویند ادبی در
 این دارن در امر کیا رسیده اند که از آن و چاپ کتاب تازه است کم به پایان رسیده
 اینها همه بوقت و در آنکه حاضر است که در آنکه شام ایرانی بزرگ میاید اما باز تو
 از یک نوعی و جی و صفتی زندگی است ملاحظه کنید. بگویم کم تو دارا ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹
 بر جسته از استعدادهای بسیار و در آنکه طلبی ~~بسیار~~ البته نام بردانند مانع حرفه
 دینار چشم انتظاران است ام و ساید به آنکه بگویم شرطم وارد شد که اگر
 خدمت به مردم می کنم آنها قدر بدانند و دوست مان بدانند. اما اگر این انتظار
 خوران کرد و به جایه طلبی رسید تا بجای آوردند است. یعنی که صفتی که
 حرف مردم اما رویه رو نه است نسبت که دیگر آن میگویند. که در لغت کوشان
 ام و رنگ است و هم در است.

مانع جان این قول را که در مورد کتاب بسیار آورنده «سازمان
 نهادها و احوال شاعر» داده ام افزاینده نموده ام. اگر تاکنون انجام نداده ام
 علت آن بوده که تا می نام بسیار برونه اگر بسیار بگویم و حالا حال خوب
 است. ضمناً محمود که بر ام نیز از آن نسبت که مانع در یا آنچه خانه مان
 نسبت بودم (و به ساعده و بر صفا بود) اگر بدیدم ام. چون ادر خانه اش
 صفت و تلفظ هم ندارد. امیدوارم این کار را بسیار طوری که در نظر دارید
 با برنده آن دیگر جوی انجام دهم.

من ده یاد است که سیزده روز دیگر بفرمایم که چند ماه در لندن
 نخواهم بود. نشان ام را در اینجا آوردن از خواستی مانع بنویس که شام
 کرد طاری
 گو یا فردش خابوشی «هم تا اواخر این ماه در لندن چاپ کرد
 شاعر عمر هم از من بر آنکه بگویم که از در کمال تجلی
 است که به خود کنم.

به نایب عمر سلام ام
 یا از این بر میگویند که در
 راله

مانع راه گفتن شما کم امیدوارم بیدار بخوانی
 در تمام آن غلط چاپی و ام را در نشانه است که - «سازمان» حاجت... درست کردی؟
 بدینکه «نو» در تب تنها - یاغ بهارانی «کلا با رفو» را در دوازده سیه ام